

۱۳. روابط برادری بشر

سوالی که در اذهان بسیاری بوجود می آید این است: «آیا واقعاً عیسی بن مریم در انجیل دستور داد تا مردم اینطور دعا کنند؟ ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد.» در تورات و زبور و انجیل و قرآن بدون شک بارها تأکید شده مبادا خدا را در ردیف انسان قرار داده نسبت بوی توهین کنیم. انسان را در ردیف خدا قرار دادن کفر بحساب می آید. بطور واضح مکتوبست که «آنانی را که گفتند خدا فرزندی را بر گرفت بیم نمایند.» (سوره کهف آیه ۳).

نظر مختصری به دنیای آن روز بیفکنیم. در زمان جاهلیت قبل از ظهور اسلام بت پرستی بطور عجیبی مرسوم شده بود. سه تن از زنهایی که مورد بودند. این رسم ممنوع شد. «بگو: او خدائی یگانه است. خدا بی نیاز است. او نژاد و زائیده نشده است. و هیچ کس همتای او نخواهد بود.» (سوره اخلاص آیات ۱-۴).

قسطتین کییر در اوائل قرن چهارم میلادی (۲۸۸-۳۳۲) نه تنها ریاست امپراطوری رم، بلکه مسیحیت را نیز اختیار کرد. ولی مسیحیت وی بیشتر اهمیت سیاسی داشت تا روحانی. بت پرستان افریقا مخصوصاً مصریها صدها ایسیس و

هوریس در مجسمه ای بعنوان مادر و فرزندش معروف بودند. وقتی که این بت پرستان مسیحیت قسطنطین را اختیار کردند مجسمه ایسیس و هوریس را همراه آوردند منتهی اسمهایشان را عوض کرده گفتند مریم و عیسی هستند. بنابراین این بدعت اهریمنی به اضافه تعالیم بسیار ناپسندی داخل کلیسا رخنه کرد. یک خدا را پدر نامیدند و خدای دیگر را مادر خواندند و سوم را پسر گفتند.

وقتی که به کتب مقدس نگاه میکنیم هیچ کدام از نوشته های تورات یا زبور یا انجیل یا قرآن وجود بیش از یک خدا را تعلیم نمیدهند. توجه کنید حضرت موسی با چه کلماتی وحدانیت خدا را اعلام میکند: «ای اسرائیل بشنو یهوه خدای ما یهوه واحد است.» (تثنیه ۶: ۴). در انجیل مرقس خود مسیح تأکید میکند که: «اول همه احکام اینست که بشنو ای اسرائیل خداوند خدای ما خداوند واحد است.» (مرقس ۱۲: ۲۹).

اشکال امروزه ما موضوع زبان و اصطلاحات است. کلمات به مرور ایام معانی دیگری می یابند. فهمیدن چیزی که نمیتوانیم ببینیم مشکلست. مثلاً کلمه روح یعنی چه؟ آیا چیزست که میتوانیم لمس کنیم و ببینیم؟ نه خیر. بعضی از اشکالات بین مردم در نتیجه سوء تفاهم یکدیگر بوده است.

حال برگردیم به موضوع امروزه. روابط برادری. «بی گفتگو مؤمنان برادرند پس میان برادران خویش آشتی دهید» (الحجرات آیه ۱۰). کدام

اشخاص برادرند؟ مؤمنان! فرق نمیکنند. اگر یک شخص از افریقا و دیگری از چین و دیگری از آمریکا باشد، اگر ایمان به خداوند یکتا دارند پس برادرند. برادران یعنی اولاد یک پدر. برادران روحانی هم اولاد یک پدر روحانی میباشند.

سوره بقره میفرماید: «خدای را مانند یادکردنتان از پدران خویش یا یادکردنی بهتر از آن یاد کنید.» (آیه ۲۰۰). مزمور نویس فرمود: «تو پدر من هستی، خدای من و صخره نجات من.» (مزمور ۸۹: ۲۶). وقتی خدا را صخره مینامد آیا منظورش نکه سنگ میباشد؟ وقتی او را پدر میخواند آیا منظورش پدر جسمی میباشد؟ البته خیر. بلکه منظورش نگهدارنده و بنیاد محکم و پایدار می باشد.

نویسنده مزمور اضافه کرده میگوید: «چنانکه پدر بر فرزندان خود رئوف است، همچنان خداوند بر ترسندگان خود رأفت مینماید.» (مزمور ۱۰۳: ۱۳).
موضوعی روحانیست وگرنه کفر محض میشود. عیسی بدنیا آمد تا محبت خداوند را نه تنها به قوم یهود، بلکه به تمامی بشر بنمایاند. حقیقت امر این است که فقط دو خانواده وجود دارند - خانواده خدا و خانواده شیطان. البته معلوم است که منظور ما از خانواده روحانی میباشد. از کجا معلوم میشود به کدام یکی از این دو خانواده تعلق

داریم؟ از رفتار و کردار ما!

مسیح به کسانی که قصد کشتنش را داشتند فرمود: «شما از پدر خود ابلیس میباشید و خواهشهای پدر خود را میخواهید بعمل آرید. او از اول قاتل بود و در راستی ثابت نمیشد.» (یوحنا ۸: ۴۴). موضوع را از آنچه در رساله اول یوحنا مکتوبست نمی توان واضحتر گفت: «پس به این ترتیب می توان گفت که چه کسی فرزند خداست و چه کسی فرزند شیطان است. هر که زندگی گناه آلودی داشته باشد و هم نوع خود را نیز دوست نداشته باشد، فرزند خدا نیست.» (اول یوحنا ۳: ۱۰ ترجمه تفسیری).

بنابراین وقتی عیسی دستور داد در دعا خدا را پدر بخوانیم، منظورش این بود که از لحاظ معنوی چون مؤمنین که برادران همدیگریم باید خدا را چون پدر مهربان بشناسیم. مردم قرن بیستم با مردم قرن اول فرقی ندارند. همین موضوع را در برنامه بعدی ادامه میدهیم. اجالتاً با برادران و خواهران عزیز خود خدا حافظی میکنیم.